

## عنوان تهمت و افترا باقتضای زمان فرق کرده ولی کیفیت آن ثابت مانده است

يك مقاله جالب در مورد زمین و پاسخی بوزارت دارائی

اگر بهره‌مندی از اختراعات و اکتشافات میزان توقعات را بالا برده ، اگر رادیو و تلویزیون و اقمار مصنوعی جای کبوتر قاصد و جارچی و چاپار را گرفته ، اگر هواپیماهای جت و جمبوجت با سرعت‌هایی بالاتر از صوت جایگزین شتر و کجاوه شده ، اگر بمب‌افکن های تیز پرواز و مسلسل‌های خودکار و تفنگ‌های دورزن به قائم‌مقامی گرز و نیزه و تیر و کمان خودنمائی می‌کند و اگر توپ‌های مخرب و خانمان برانداز بی‌کلاه و باکلاه ! بیجان‌شینی منجنیق و قلعه‌کوب‌های کله قوچی و جنگ‌های تن‌بتن و کشتارهای فردی جان‌صدها و هزارها نفر را يك باره درو می‌کند و در مورد آموزش و پرورش هم اگر کسی بخوهد نقشه‌ای برای ساختمان‌های دسته‌جمعی و شهرک‌های مسکونی ترسیم کند اول جای دبستان و دبیرستان و دانشکده و تأسیسات ورزشی و فضای سبز و حتی باغ وحش را تعیین می‌کند و بعد سراغ بازار و دکه و خانه میرود

و با همین نسبت هم توقعات و خواسته‌ها بالا رفته و فقیرترین مردم برق و تلفن و تلویزیون و سایر وسائل مدرن می‌خواهد اما از یک جهت روحیه و اخلاق افراد ثابت و دست نخورده مانده و آن بی‌انصافی در تخت‌پشته و منکوب کردن مخالفانم از واقعی یا احتمالی و تخیلی است. پنجاه سال پیش اگر خروس همسایه مزاحم خوابان می‌شد و صاحب خروس با چند بار تذکر حاضر نبود حیوان پرسر و صدارا فدای استراحت ما کند فوراً بمغزمان میرسید که بابتی گری و بهائی گری را برایش عنوان کنیم و مدتی که این حربه کهنه شد تا امروز حربه‌هایی از قبیل ازلی دهری، صوفی، مشروطه‌خواه مستبد، ستون پنجم محور، توده‌ای، جوجه‌استوکس و مقیم گونی‌سدان، نوکر انگلیس و کاسه‌لیس روس، عضو اتلیج‌جنس‌رویس و سیا و من یقین دارم اگر کسی خاطرات زمان انوشیروان دادگر راهم بیاد میداشت در آن روزگار هم نهمت مزدکی گلوی طرف را بدست جلاد جهل و نادانی می‌سپرد و متأسفانه حالاً که وضع دنیا بکلی دگرگون شده با استفاده از اقتضای زمان نهمت زمین خوار و زمین باز و امثال آن زمینه را پر کرده است.

سردفتران اسناد رسمی که طبق قانون جدید مالیات‌های مستقیم مجری قسمتی از قانون درامر وصول شده‌اند از ابهام و تضاد قانون شکایت دارند و چون استدلالشان مشروع و قانونی است مراتب را از طریق مجله کانون که تنها مرجع و ملجأ این طبقه است منتشر می‌کنند، مجله و زین و پر خواننده خواندنی‌ها که قسمتی از صفحات خود را بنقل مقالات اجتماعی و مسائل مبتلا به عامه اختصاص داده یکی از مقالات را نقل می‌کند و از طرفی اولیاء محترم وزارت دارائی هم طی پنج سالی که از اجرای قانون می‌گذرد قسمتی از خواسته‌های سردفتران را ضمن تعبیر و تفسیر قانونی اجابت مینمایند ولی دفتر اطلاعات و روابط عمومی وزارت دارائی بجای اینکه بواقعیت امر توجه نمایند و اگر محتوای مقالات هم نارسا و مبهم بوده لاف‌زن نمایند از کانون

سردفتران بخواهند و هرگاه توضیح و توجیه او مقنع نبود در صدد تخطئه مطلب بر آیند فوراً مغزها بکار می افتد که اسلحه رایج زمان را جستجو کند و بعد در لفاف نزاکت ادبی و دیپلوماسی مطبوعاتی و در قالب مجاز و استعاره‌ای که خواننده ناگزیر باشد از مفهوم مخالف استفاده کند اول گناه تقلیل قیمت ها را در اسناد که نتیجه آن فرار از پرداخت مالیات قانونی پیش از سال ۴۶ بوده بگردن سردفتران کشور می اندازند و بعد از اولیاء مجله خواندنیها گله می کنند که چرا شما که در کار زمین مداخله ندارید بنقل این مقاله مبادرت کرده‌اید و مگر نمی دانید افرادی مخالف با اجرای این قانون هستند که در بورس زمین کار میکرده‌اند و چون قانون جلو بورس بازی را گرفته بتکاپو افتاده‌اند و . . . .

در جواب اجمالاً باید باطلاع خوانندگان گرامی برساند که اولاً تعیین قیمت در اسناد که از ارکان معامله است بعهده متعاملین می باشد و سردفتر کوچکترین مداخله‌ای در آن نمی تواند داشته باشد زیرا قانون تکلیف او را معلوم کرده و همینکه سندی مخالف با قانون و اخلاق حسنه نبود ملزم به ثبت آن می باشد و لسی با وجود اختیارات و از جمله خیار غبن در قانون مدنی و مندرجات اسناد رسمی که برای طرفین لازم الاتباع است آیا کسی جرأت می کند مبلغ مورد معامله را کمتر یا بیشتر از واقع در سند قید کند؟

ثانیاً مسئله زمین از نطق انتخاباتی آقای نخست وزیر در شیراز که چندماه قبل اتفاق افتاد بحال رکود و وقفه گر آئید در حالیکه قانون مورد بحث از اول فروردین ۴۶ اجرا شده و ارتباطی با هم نمی تواند داشته باشد ثالثاً از نظر تضاد و تباین کافی است توجه نویسنده محترم را بنامه شماره ۷۳۸۹۲۰ - ۴۹۱۰۱۲ اداره کل فنی که صریحاً معامله صفار را مغایر باماده ۲۷ دانسته و اداره روابط عمومی طی جوابیه مزبور بحق این قبیل معاملات را از مصادیق ماده مزبور شناخته‌اند جلب کنیم و بدیهی است وقتی

دو اداره کل دریک وزارتخانه نسبت بیک مسئله دونظر مختلف ابراز دارند پس اگر از ۴ و ۸ و ۲۰ اداره هم سؤال میشد بتعداد سؤال جوابهای مغایری میدادند که معلوم نیست باین وصف تکلیف سردفتر چیست ؟

واما راجع بزمین و بورس زمین مثالرا از تهران میزنیم و قطعاً قابل تسری بهمه استانها و شهرستانها خواهد بود و اجازه فرمائید قدری بعقب برگردیم و قبل از سلسله پهلوی که اطراف تهران خندق حفر کرده بودند و بعلت ناامنی وعدم ثبات و رکود فعالیت های عمرانی و اقتصادی کسی جرأت نمیکرد پا از خندق فرانهند و در داخل شهر هم غروب از خانه بیرون باشد و اسم خیابان سعدی خارج شهر آن روز بعلت اینکه بمردم در روز روشن دستبرد میزدند به (لختی) موسوم بود بیاد آوریم.

امنیت عصر پهلوی امکان فعالیت و جنب و جوش تازه ای بمردم داد و شما اگر بشهرستانها و دهات مسافرت کرده باشید میدانید که تاریخ احداث مزارع و دهات یا قدیمی و مربوط به عصر صفویه به قبل و یا مربوط بعصر حاضر است و جز چند پارچه آبادی از قبیل عباس آباد و یوسف آباد در اطراف تهران که آنهم مولود فعالیت صدر اعظم وقت یا بقول مردم آن زمان مولود جنون او بوده یادگاری از دو قرن فاصل بین قدرت صفوی و پهلوی بچشم نمیخورد .

این راهم باید اضافه کنم که تهران از یک عده مزارع و دهات کوچک و بزرگ مانند حسن آباد و بهجت آباد و کاظم آباد و طرشت و باغ فیض و اکبر آباد و محمد آباد و داودیه و ارغوانیه و محمودیه و محمود آباد و امیر آباد و جمشید آباد و جلالیه و دولا ب و آب سردار و فرمانفرما و صدها نمونه دیگر (علاقه مندان به کتاب جغرافیای اقتصادی تألیف مرحوم مازور مسعود کیهان و نقشه بلژیکی ها مراجعه نمایند) تشکیل شده و اگر قبول کنیم که هر مزرعه از تعدادی مسکن و باغ و اراضی مشجر و مزروعی و تعدادی هم آیش و بایر و موات برای کمال استفاده مردم ده ترکیب شده باین نتیجه

میرسیم که لاقل در اطراف تهران زمین موات مباح بصورتی که در لایحه قانونی مصدق مصوب سال ۳۱ و قوانین بعدی تصریح شده وجود ندارد و اگر زمین مواتی هم بچشم بخورد یابر اثر اعراض از زراعت که بقول استاد فرامرزی در قدیم بهر جا قدم می گذاشتیم مزروع و سبز و خرم بود یا کم آبی متروک و بمروور بصورت موات درآمده و یا موات مملوک بوده که از متعلقات هر ده شناخته میشود و این تذکر از آن جهت است که اگر عده‌ای شیاد و کلاهبردار از خوردن اراضی موات جیب‌های خود را آکنده‌اند بحق مالکین واقعی دهات تجاوز نموده‌اند نه بحقوق دولت و سازمان مسکن و اگر این حقیقت را قبول کنیم که دلیلی بررد آن نداریم قهراً جوش و خروش‌هایی که به بهانه منال دولت زده میشود بمقدار زیادی کاهش خواهد یافت.

باری تحولات عمرانی و پیشرفتهای صنعتی موجب تراکم جمعیت در پایتخت شد و بناچار مردم بر اساس احتیاج و عرضه و تقاضا خندق‌ها و دروازه‌ها را پشت سر گذاردند و در نقاطی که تا چند سال پیش مسافرت بآن مستلزم تهیه زاد و توش سفر بود جزو نقاط گران قیمت و مرغوب شهر درآمد و عده‌ای نیز در این میان منافع سرشاری بردند ولی بهر حال قیافه شهرها و بالاخص تهران بکلی دگرگون شد و با اینکه چند بار دولت بعنوان مبارزه با زمین‌خواری جلو آن را گرفت ولی بازسیر پیشرفت زمان و اقتضای عصر حتی قلل کوه‌ها را نیز مسکون و معمور نمود و باید قبول کنیم که هر خانه‌ای بهر عنوان ساخته شود علاوه بر اینکه خانواده‌ای صاحب مسکن خواهد شد در حدود هشتاد صنف از نجار و بناء و شیشه‌بر و مهندس و سازنده بخاری و آبگرم‌کن و فرش فروش و کوره‌پز و فخار و غیره و غیره که مهمتر از همه وزارت دارائی از نظر اخذ مالیات و سردقتر اسناد رسمی از جهت وصول حق التحریر خواهد بود. بهره‌مند میشوند و بدیهی است وقتی کار متوقف شد این صنوف بکساد و ورکود کارکشانده خواهند شد. در سال ۳۵ دولت با تصویب قانون اراضی موات بمؤسسات دولتی اجازه داد که

بدون توجه بصدور سند مالکیت و انقضاء موعد اعتراض حقوق خود را استیفا کنند و شاید این بحث زائد باشد که چگونه بازهمین قانون حربهای بدست عده‌ای داد تا در صدد تصفیه خورده حسابها بر آیند و بچه نحو پیر زن معلول و پا شکسته‌ای که تمام مایملک او هفتاد و چند متر زمین بود بزعم مجریان قانون متجاوز و زمین خوار شناخته شد و باز بچه‌تر تیب شماره بخش املاک غرب تهران در بخشنامه ممنوع المعامله ازده به سه‌اشتباه شد و در نتیجه زمین‌های اطراف بیمارستان پهلوی که متعلق به کثیر - الاولاد ترین شخصیت‌ها ! بود آزاد و املاک خیابان قوام السلطنه و داخل محدوده تهران زمان شاه طهماسب باز داشت شد و بعد از ۱۵ سال که آب‌ها از آسیاب افتاد و مالکین غرب‌نشین اموفق بفروش آخرین متر آن شدند تازه مطلب کشف شد و دولت بناچار معاملات اراضی مشکوک به تجاوز را تأیید و از بخش ۳ که چون داخل بورس نبود کسی هم تا آن موقع بفکر معامله و در نتیجه پی بردن به ماهیت امر نیفتاده بود رفع تعرض شد ولی اگر مجموع نفع‌ها و ضررهای که این قانون بدولت و مردم زده و مخصوصاً لطمه‌ای که متوجه اعتماد عمومی و اعتبار اسناد نموده در نظر بگیریم شاید بطور کلی نفعی عاید نشده باشد .

خبیر نگار ما از اصفهان گزارش کرده بود که چند روز قبل آقای وزیر آبادانی و مسکن باتفاق استاندار و رئیس یکی از بانکهای خصوصی به امیر آباد واقع در ۲۰ کیلومتری شمال شهر آمدند و من که چند سال قبل این محل را دیده و با وجود قناتی که در ایران بی نظیر است جز کارهای زراعی فعالیت دیگری مشاهده نکرده بودم وقتی ملاحظه نمودم که در هر گوشه‌ای از یک محدوده وسیع ماشین‌های غول پیکر و مهندسین و معماران و کارگران در تلاش و تکاپو هستند تا شهر جدیدی بنام شاهین شهر بنیان گذارند و مزیقه مردم و کارمندان دولت را از لحاظ مسکن مرتفع کنند لذت بردم و به بانی این امنیت و ثبات که کسی جز پادشاه خردمند و درهبرمدبر مملکت نیست

از صمیم قلب دعا کردم و یقین دارم اگر سرمایه‌گذاران بخش خصوصی از این کار تبعیت کنند و پولهای خود را از بورس بازی و معاملات نزولی به فعالیتهای عمرانی و خانه سازی منتقل نمایند نه تنها دولت مختل و مزاحم نیست بلکه همانطور که آقای وزیر آبادانی گفته اند کمک‌های موثری نیز خواهد کرد. دولت با بورس بازی مخالف است نه با عمران و آبادی و چون ثابت شده که هر کار تجاری که از طریق دولت انجام شود در بیلان سالیانه ستون ضرر آن بر منفعت می‌چربد چه بهتر که بخش خصوصی بسا خبرویت و دلسوزی که لازمه بقا هر ثروتی است بکار پردازد و مسئولیت دولت را در قبال امر مسکن سبک کند و در نتیجه صنوفی هم که از این راه نان می‌خورند و مدتهاست بر کود و کساد گردیده‌اند از نو جان بگیرند مشروط بر اینکه در هر حال انصاف و میانه روی را از نظر دور ندارند.

موضوع دیگری را که در پایان باید اضافه کنم این است که شرکتهای تعاونی منتسب بدولت و اموری از قبیل فروشگاه فردوسی و اتوبوسرانی و نان و گوشت و امثال آن که متأسفانه اکثراً هم با ضرر مواجه بوده راهی برای فعالیت مردم باقی نگذاشته و بهترین مبارزه با بورس بازی و بکارگرفتن پس اندازها و سرمایه‌های مردم در کار تولید و عمرانی ایجاد راههای مطمئنی است که بخش خصوصی بتواند بانروی آورد بخصوص وقتی بانک مرکزی تا ۹ درصد ربح بی سروصدا و بی نام و نشان وبدون مالیات میپردازد اعمال هزنوع فعالیتی را که تا یک میلیونیم خطر ریسک داشته باشد از افراد عاقل سلب می‌نماید و طبعاً وقتی کار نبود درآمد نیست و وقتی درآمد نبود معاملهای نمیشود و این است که ملاحظه می‌کنید دفاتر رسمی مدتهاست کاری جز مطالعه! ندارند و قهرأ بیکاری سردفتر ملازمه با بیکاری صنوف متعدد و کاهش میزان مالیات خواهد داشت.